



محسن بهاروند، دیپلمات پیشین در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

حلقه ترامپ

گرفتار در محاسبات دقیق ایران

گزارش

گروه دیپلماسی - در میان تنش‌های بی‌سابقه‌ای که جنگ یک‌جانبه آمریکا و اسرائیل علیه ایران رقم زده است، محسن بهاروند، دیپلمات پیشین، تصویری روشن و در عین حال هشداردهنده ارائه می‌دهد. او می‌گوید رفتار ایالات متحده نشان می‌دهد که فاصله گرفتن از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل دیگر عدول از معیارهای انسانی و اخلاقی جهانی است؛ حقوقی که بویژه بر حفاظت از غیرنظامیان در جریان محاصرات مسلحانه تأکید دارد. به باور بهاروند، این فاصله‌گیری درک غلطی از واقعیت‌ها را در حلقه اطراف ترامپ بویژه کسانی که شبیه او فکرمی‌کنند، تقویت کرده است؛ افرادی که به موفقیت‌های آسان و پیروزی‌های بدون زحمت عادت کرده بودند و تصور می‌کردند ایران نیز مانند سایر موارد، به سادگی فرو می‌پاشد، در حالی که واکنش مصمم و منسجم ایران تمام محاسبات آنها را به هم ریخت. او در عین حال می‌گوید که مسیر دیپلماتیک، هرچند پیچیده اما هنوز هم زنده است و این مسأله از سوی دو طرف می‌تواند سکوی لازم برای اعتماد حداقلی، شفاف شدن خطوط قرمز و رسیدن به توافق جامع و پایدار باشد.

چگونه در میانه روایتی که از حمله تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران شکل گرفته است، خطوط قرمز حقوقی و سیاسی به سادگی نادیده گرفته می‌شوند؟ وقتی تهدید علیه زیرساخت‌های حیاتی از جمله نیروگاه بوشهر و اقداماتی که از سوی اسرائیل آغاز شده یا هشدارهایی که آمریکا مطرح کرده، می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود، چه سازوکار یا منطق پنهانی باعث می‌شود این تخطی آشکار از قواعد بین‌المللی، همچنان بی‌پاسخ بماند و به امری عادی در معادلات سیاسی تبدیل شود؟

ماجرا فقط به حقوق بین‌الملل در معنای کلاسیک آن محدود نمی‌شود؛ مسأله، عمیق‌تر و انسانی‌تر از این چهارچوب‌های

چگونه در میانه روایتی که از حمله تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران شکل گرفته است، خطوط قرمز حقوقی و سیاسی به سادگی نادیده گرفته می‌شوند؟ وقتی تهدید علیه زیرساخت‌های حیاتی از جمله نیروگاه بوشهر و اقداماتی که از سوی اسرائیل آغاز شده یا هشدارهایی که آمریکا مطرح کرده، می‌تواند مصداق جنایت جنگی تلقی شود، چه سازوکار یا منطق پنهانی باعث می‌شود این تخطی آشکار از قواعد بین‌المللی، همچنان بی‌پاسخ بماند و به امری عادی در معادلات سیاسی تبدیل شود؟

ماجرا فقط به حقوق بین‌الملل در معنای کلاسیک آن محدود نمی‌شود؛ مسأله، عمیق‌تر و انسانی‌تر از این چهارچوب‌های

اساساً تعلیق بردار نیستند و در هر شرایطی باید رعایت شوند.

در این میان، آنچه محل تأمل جدی است، رفتار ایالات متحده است که به نظر می‌رسد با نادیده گرفتن این اصول بنیادین از این

دسته از حقوق فاصله گرفته است؛ حقوقی که بویژه بر حفاظت از غیرنظامیان در جریان محاصرات مسلحانه تأکید دارد و نقض آن، عدول از معیارهای انسانی و اخلاقی جهانی محسوب می‌شود.

رسمی است. آنچه به‌عنوان حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود، در یک تقسیم‌بندی کلی به دو حوزه متمایز تعلق دارد: اول، حقوق کلاسیکی که روابط میان دولت‌ها را تنظیم می‌کند و بیشتر بر مناسبات قدرت و حاکمیت تمرکز دارد و دوم، مجموعه‌ای از حقوق که مستقیماً به انسان‌ها، کرامت انسانی و اخلاق جهانی مربوط می‌شود. این دسته دوم، برخلاف بسیاری از قواعد سیاسی نه قابل تعلیق است و نه می‌توان آن را به دلخواه تفسیر کرد یا با قرائت‌های خودسرانه از معنا تهی ساخت. این حقوق به جوهره انسان بودن گره خورده‌اند و هرگونه نقض آنها، مستقیماً مسئولیت به همراه دارد. به همین دلیل است که مفاهیمی چون منع جنگ‌های غیرقانونی یا جنایت علیه بشریت در این چهارچوب تعریف شده‌اند؛ اصولی که



سازوکارهای

حقوقی

بین‌المللی،

افکار عمومی

جهانی و

روندهای

تدریجی

عدالت خواهی،

دیر یا زود مسیر

پاسخگویی

را هموار

می‌کنند. از

همین رو،

ارتکاب چنین

جنایاتی نه

یک اقدام

مقطعی با

هزینه محدود،

بلکه تصمیمی

است که تبعات

آن می‌تواند

سال‌ها و حتی

دهه‌ها ادامه

یابد

چهارچوب‌ها از جمله سازوکارهایی چون

شورای امنیت در مسیر محکوم‌سازی

ایران کام بردارند؟

این تلاش‌ها که در ظاهر در چهارچوب

حقوق بین‌الملل تعریف می‌شوند، اما در

عمل با پرسش‌های جدی درباره بی‌طرفی

و توازن مواجهند. اینکه هم‌زمان، تجاوز

یک‌جانبه آمریکا و اسرائیل نادیده گرفته

می‌شود و تمرکز صرفاً بر واکنش ایران قرار

می‌گیرد، تصویری از یک رویکرد کزینشی و

تا حدی یک طرفه را به نمایش می‌گذارد.

البته در این میان، مخالفت روسیه و چین با

چنین رویکردی نشان می‌دهد که همچنان

شکاف‌هایی در درک و اجرای اصول حقوق

بین‌الملل در میان قدرت‌های جهانی وجود

دارد. به بیان دیگر، آنچه باید به‌عنوان یک

نظام منسجم و بی‌طرف عمل کند، گاه تحت

تأثیر ملاحظات سیاسی و موازنه قدرت به

شکلی نابرابر اجرا می‌شود.

با این حال، فراتر از این کشاکش‌های

سیاسی، یک اصل بنیادین نباید فراموش

شود: قواعد مربوط به حقوق بشردوستانه و

حفاظت از انسان‌ها در محاصرات مسلحانه،

نه وابسته به زمان و مکانند و نه قابل

تفسیرهای سلیقه‌ای. این اصول، هم در

سطح حقوقی و هم در عرصه سیاسی، باید

به‌صورت کامل و بدون تبعیض رعایت شوند؛

چرا که هرگونه عدول از آنها، تنها به تضعیف

اعتبار نظام بین‌الملل و آسیب به بنیان‌های

انسانی آن منجر خواهد شد.

یا اوج‌گیری تحولات اخیر و افزایش

سطح تنش‌ها، اکنون منطقه در

نقطه‌ای ایستاده که هر تصمیم می‌تواند

پیامدهایی فراتر از محاسبات اولیه

به‌دنیاال داشته باشد. ارزیابی شما از این

روند چیست؟ آیا می‌توان این تحولات

را نشانه‌ای از ورود به مرحله‌ای جدید و

پرخطر از تقابل دانست که ممکن است

کل منطقه را درگیر کند؟

واقعیت این است که ایران در هیچ مقطعی

تهدیدی متوجه آمریکا نکرده بود و حتی

در مسیر تقابل نیز حرکت نمی‌کرد؛ بلکه

برعکس، روندی از گفت‌وگو و مذاکره در

جریان بود و قرار بود آقای عراقچی برای

حل‌وفصل اختلافات وارد مذاکره شود. اما

در نقطه‌ای غیرمنتظره، آمریکا از این مسیر

فاصله گرفت و در عمل شرایطی را رقم زد که

به تحمیل یک درگیری ناخواسته انجامید.

آنچه امروز از سوی ایران صورت می‌گیرد، در

چهارچوب دفاع مشروع قابل تحلیل است.

بویژه آنکه دفاع، حقی ذاتی و غیرقابل سلب

برای هر کشور است؛ حقی که نه اعطا

می‌شود و نه قابل انکار است. ایران تاکنون

تلاش کرده از خود دفاع کند و به نظر

می‌رسد در ادامه نیز ناگزیر به تداوم این

مسیر باشد.

در هر چهارچوب حقوقی و اخلاقی، آنچه

به‌عنوان جنایت جنگی یا جنایت علیه

بشریت شناخته می‌شود، نه تنها از

سنجین‌ترین تخلفات محسوب می‌گردد،

بلکه ویژگی مهم و تعیین‌کننده‌ای دارد؛ این

جرائم مشمول مرور زمان نمی‌شوند. به این

معنا که گذر زمان، تغییر دولت‌ها یا دگرگونی

معادلات سیاسی، هرگز نمی‌تواند مسئولیت

عاملان و آمران این اقدامات را از میان بردارد.

تاریخ نیز بارها نشان داده است که حتی اگر

در مقطعی، قدرت و ملاحظات سیاسی مانع

از پاسخگویی شود، در نهایت این پرونده‌ها

بسته نمی‌مانند.

سازوکارهای حقوقی بین‌المللی، افکار عمومی

جهانی و روندهای تدریجی عدالت خواهی،

دیر یا زود مسیر پاسخگویی را هموار

می‌کنند. از همین رو، ارتکاب چنین جنایاتی

نه یک اقدام مقطعی با هزینه محدود، بلکه

تصمیمی است که تبعات آن می‌تواند سال‌ها

و حتی دهه‌ها ادامه یابد.

براین اساس، هرکنشگری که به سمت

اقداماتی می‌رود که در چهارچوب جنایت

جنگی یا جنایت علیه بشریت قابل تعریف

است، باید این واقعیت را در نظر داشته

باشد که متجاوزان به ایران در نهایت ناگزیر

از پاسخگویی خواهند بود؛ پاسخی نه فقط

در برابر نهادهای حقوقی بلکه در برابر وجدان

تلاش‌های پاکستان برای توقف جنگ به مرحله حساس نزدیک می‌شود

دنبال شده اما به تدریج به یکی از محورهای مهم تحرکات

سیاسی منطقه تبدیل شده است.

اظهارات سفیر ایران در پاکستان در شرایطی مطرح می‌شود

که تهران پس از دو هفته بررسی‌های فشرده و همه‌جانبه

در سطوح عالی، پاسخ خود را به پیشنهاد آمریکا برای پایان

جنگ نهایی کرده است. این پاسخ، از طریق پاکستان به

طرف آمریکایی منتقل شده و به نوعی نشان‌دهنده نقش

واسطه‌ای اسلام‌آباد در این فرآیند است.

بر اساس گزارش‌ها پاسخ ایران در قالب یک بسته ۱۰

بندی تنظیم شده است. تهران با توجه به تجربه‌های

پیشین، ضمن رد ایده آتش‌بس موقت، بر ضرورت پایان

دائمی جنگ با در نظر گرفتن ملاحظات و منافع ملی

خود تأکید کرده است. در این چهارچوب، خواسته‌هایی

همچون توقف کامل درگیری‌ها در منطقه، تضمین

عبور و مرور امن از تنگه هرمز، بازسازی خسارت‌ها و

همچنین رفع تهریم‌ها در این بسته پیشنهادی گنجانده

شده است.

مجموع این تحولات نشان می‌دهد که روند میانجی‌گری

وارد مرحله‌ای شده که می‌تواند سرزشت مسیر دیپلماسی

و حتی آینده درگیری را تحت تأثیر قرار دهد.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاکستان اعلام کرد که

تلاش‌های دیپلماتیک اسلام‌آباد برای میانجی‌گری در

مسیر توقف جنگ به مرحله‌ای حساس و تعیین‌کننده

نزدیک شده است؛ مرحله‌ای که می‌تواند بر روند تحولات

آتی اثرگذار باشد.

«رضا امیری مقدم» سفیر ایران در اسلام‌آباد، روز سه‌شنبه

با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» تأکید کرد که

اقدامات پاکستان در چهارچوب حسن‌نیت و با رویکردی

سازنده، در حال ورود به مقطعی سرزشت‌ساز است. او این

تلاش‌ها را مثبت ارزیابی کرد و از نزدیک شدن آن به یک

نقطه عطف خبر داد؛ هرچند در این باره جزئیات بیشتری

ارائه نکرد و تنها به این جمله بسنده کرد که برای دریافت

اطلاعات تکمیلی باید منتظر ماند.

نقش پاکستان در این روند، بویژه از زمان آغاز تجاوز آمریکا

و رژیم صهیونیستی علیه ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴، پررنگ‌تر

شده است. در این مدت، اسلام‌آباد در کنار برخی دیگر از

کشورهای منطقه، از جمله ترکیه و مصر، تلاش کرده است

با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک خود، زمینه کاهش

تنش و برقراری مسیر گفت‌وگو میان تهران و واشنگتن را

فراهم کند. این میانجی‌گری‌ها اگرچه به‌صورت غیرمستقیم



بشر

بنیادهای این

نظام حقوقی را

زیر سؤال برده

است، چگونه

هم‌زمان، برخی

کشورها مانند

بحرین تلاش

می‌کنند با تکیه

بر همان

برهان

در پی تهدید ایالات متحده برای حمله به زیرساخت‌های ایران شکل گرفت

موج مخالفت جهانی

با تهدید ترامپ به «جنایت جنگی»

تحلیل

در بحبوحه تنش‌های فزاینده در پی حمله تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران، مواضع تهدیدآمیز دونالد ترامپ علیه زیرساخت‌های حیاتی ایران به سرعت به مسأله‌ای حقوقی، انسانی و حتی اخلاقی تبدیل و اکنون در نگاه مقام‌های سیاسی خارجی و کارشناسان حقوق بین‌الملل به مرزهای «جنایت جنگی» نزدیک شده است؛ تعبیری که بار حقوقی و تاریخی آن، فراتر از میدان‌های جنگ به دادگاه‌ها و افکار عمومی جهانی کشیده می‌شود. چه آنکه تهدید به هدف قرار دادن نیروگاه‌ها، پل‌ها و تأسیسات آب شیرین‌کن نشانه‌ای از ورود جنگ به زندگی روزمره غیرنظامیان است. در واکنش به این تهدیدها، موجی از نگرانی «استفان دوچاریک» سخنگوی سازمان ملل در همین چهارچوب هشدار داده است که حتی اگر هدفی دارای ارزش نظامی تلقی شود اما حمله به آن موجب آسیب گسترده و نامتناسب به غیرنظامیان شود، از منظر حقوقی غیرقانونی خواهد بود.

«ژان نولت بارو»، وزیر امور خارجه فرانسه نیز اعلام کرد که هرگونه حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی، منطقه را وارد مرحله‌ای تازه از تنش و تلاقی جویی خواهد کرد. او تأکید کرد که نقش کشورش، نه در تشدید

درگیری که در مهار پیامدها و حمایت از تلاش‌های میانجی‌گرانه تعریف می‌شود. در همین راستا «آنتونیو گوستا»، رئیس شورای اروپا هم با انتشار پیامی، مسیر دیپلماسی را

تنها راه حل پایدار این بحران دانست و تأکید کرد که هدف قرار دادن تأسیسات انرژی و زیرساخت‌های غیرنظامی، نه‌تنها غیرقانونی بلکه غیرقابل قبول است.

همچنین «کریستوفر لکسون»، نخست‌وزیر نیوزیلند بر ضرورت پابندی همه‌طرف‌ها به قوانین بین‌المللی تأکید کرد و هشدار داد که تشدید اقدامات نظامی، هیچ ضرورتی ندارد این مواضع اروپایی‌ها نشان‌دهنده نوعی اجماع نسبی در میان بازیگران بین‌المللی است مبنی بر اینکه عبور از خطوط قرمز انسانی، می‌تواند بحران را از یک منازعه منطقه‌ای به بحرانی جهانی تبدیل کند.

صدای مخالفت گسترده در واشنگتن واکنش‌ها به این تهدیدها محدود به اروپا نماند. در داخل ایالات متحده نیز شکاف‌هایی آشکار شد «مارک کلی» سناتور ارشد آمریکایی این تهدیدها را لکه‌ای بر اعتبار ارتش آمریکا دانست و تصریح کرد که حمله به اهداف غیرنظامی، حتی در سطح تهدید، نشانه قدرت نیست. به گفته او، اگر چنین تهدیدهایی به اقدام عملی تبدیل شود، دیگر تردیدی در نقض قوانین جنگ باقی نخواهد ماند. همچنین «جوی کورتنی» عضو کنگره آمریکا، این رویکرد را «لحظه‌ای تاریک» برای آمریکا



جامعه

بین‌المللی

با یک دوگانه

دشوار روبه‌رو

است؛ یا باید

با تأکید بر

قواعد حقوقی،

مانع از عبور

از این خطوط

قرمز شود، یا

شاهد گسترش

الگویی باشد

که در آن،

زیرساخت‌های

غیرنظامی

مورد هدف قرار

می‌گیرند

و همین مسأله، مسیر پیچید را پیچیده می‌کند.

با این حال، کارشناسان برای این باورند

که راه‌های دیگری نیز از دادگاه‌های ویژه

بین‌المللی گرفته تا پیگرد‌های داخلی

وجود دارد. هرچند در کوتاه‌مدت، به دلیل

ملاحظات سیاسی، احتمال چنین اقداماتی

پایین ارزیابی می‌شود، اما یک نکته قطعی

است: جنایت‌های جنگی مشمول مرور زمان

نمی‌شوند. به عبارت دیگر، سایه این اتهامات

می‌تواند سال‌ها بر سر عاملان آن باقی بماند.

هشدار و مطالبه پاسخگویی تهران

در سوی دیگر این منازعه، ایران نیز

واکنش‌هایی صریح نشان داده است.

جمعی بشریت. این مسئولیت، تعلیق بردار

نیست و دیر یا زود، به مطالبه‌های جدی و